



جراحی زیبایی از نگاه فقه و حقوق موضوعه

نجیبه آقابالا زاده

اردبیل - مشگین شهر

Agabalazadeh2018.n@gmail.com

چکیده

عمل جراحی زیبایی و ترمیمی، از نوآوریهای علم پزشکی است و پیشینه ای در فقه اسلامی ندارد اما با عنایت به جذابیت این مقوله برای بسیاری از افراد در کشور اسلامی ضرورت دارد تا ابهامات شرعی و حقوقی پیرامون آن مورد بررسی قرار گیرد. لذا در این راستا تحقیق حاضر به بررسی جراحی زیبایی از نگاه فقه و حقوق موضوعه با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که برخی از صاحب نظران معاصر، پیرامون مشروعیت آن در موارد غیرضروری، تردید کرده اند. در حالی که با توجه به اصل اباحه، عمل مزبور عملی مشروع است. علاوه بر این، به نظر می رسد که مسئولیت مدنی پزشک در این گونه موارد، تعهد به نتیجه باشد مگر این که خلاف آن اثبات شود. در حقوق موضوعه ایران، در خصوص مسئولیت پزشک درباره عمل جراحی زیبایی قواعدی وجود ندارد. با وجود این، مسئولیت مدنی پزشک با توجه به قواعد و اصول عمومی قابل استنباط است. در عمل جراحی مزبور، تعهد به اطلاع رسانی و ضرورت رعایت تناسب در انجام عمل جراحی از زمره تعهدات اختصاصی پزشک است. همچنین در صورت بروز خسارت به بیمار ناشی از عمل جراحی زیبایی ممکن است حسب مورد معیار شخصی یا معیار نوعی مورد لحاظ قرار بگیرد.

کلمات کلیدی: جراحی زیبایی، مسئولیت پزشک، فقه اسلامی، حقوق ایران.



مقدمه

از قدیم الایام تاکنون موضوع زیبایی و جوانی مدنظر بشریت بوده است و با ورود این ایده به علم طب، جراحی و اعمال زیبایی را جزء یکی از پیچیده ترین رشته های طبی قرار داد. در افسانه های کهن، دست یافتن به اکسیر جوانی و زیبایی، منشأ بسیاری از جنگ ها و لشکرکشی ها بوده است. انسان کمال طلب، زیبایی و برتری صوری را در کنار سایر قدرت های دنیوی می خواهد و آن را نماد محسنات درونی قلمداد می کند. وجود انواع مختلف وسایلی که برای آرایش و پیرایش سر و صورت به کار می روند گواهی صادق بر این مدعاست. با پیشرفت علوم و تکنولوژی و افزایش توانایی انسان برای دخالت در اشکال طبیعی خلقت، به تدریج آرزوی دیرینه انسان به واقعیت نزدیکتر شد. به نحوی که امروزه تقریباً هر کس می تواند مطابق سلیقه شخصی خود اجزای مختلف صورت و بدنش را تغییر دهد. جراحی زیبایی پیوند معناداری با خصائص فرهنگی مردم هر کشوری دارد. زیبایی در هر جامعه ای تعریف خاص خود را دارد و بر مبنای همین تعریف تقاضای نسل جوان آن شکل می گیرد، به طور مثال برای جوانان انگلیسی حالت اندام تحتانی بسیار مهم است؛ همین قضیه، میزان بالای جراحی های لیپوساکشن را در انگلیس توجیه می کند. در جوامع اسلامی با توجه به نوع پوشش بانوان، بیشترین توجه به اجزاء صورت معطوف است. به نحوی که در این جوامع، عمل های زیبایی صورت از جمله رینوپلاستی، برجسته کردن لب ها، گونه گذاری، درمان چین و چروک، گود رفتگی و لاغری صورت بیشتر انجام می شود به طوری که در کشور ما جراحی زیبایی بینی، به تنهایی با تمام عمل های زیبایی دیگر برابری می کند. اینکه زندگی بشر مملو از اصطلاحات متعلق به زیبایی در سطوح فرهنگی عام و خاص است و این سخن رایج که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد نشان دهنده میزان محبوبیت این ارزش و موجودیت آن است. پروردگار متعال در چارچوب شریعت اسلامی، به ویژه در مورد زیبایی و زینت می فرماید: سوره اعراف آیه ۳۲، «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ». بگو: زینت های خدا و روزی های پاکیزه ای را که برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده ؟! بگو: این (زینت ها و روزی های پاکیزه) در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند (البته اگر چه غیر مؤمنان هم با آنان در بهره وری شریکند)، ولی در قیامت فقط ویژه مؤمنان است؛ ما این گونه آیات خود را برای گروهی که اهل دانش و بصیرت اند بیان می کنیم. انسان ها درباره ماهیت و چرایی این ارزش با یکدیگر اختلاف نظر ندارند ولی بر سر جزئیات و چگونگی آن اختلافات موجود است.

بیان مساله

پیشرفت های فزاینده در زمینه علم و دانش در کنار تکثر و تنوع روابط و مناسبات مدنی، ردپایی در گستره حقوق و ریشه های اخلاقی و فقهی آن باقی گذارده که تحت عنوان مسایل جدید و مستحدثه از آن یاد می گردد.



عمل جراحی زیبایی و ترمیمی، از نوآوری های علم پزشکی است و پیشینه ای در فقه اسلامی ندارد. این موضوعات جدید غالباً دارای خصایصی هستند که آن ها را از دایره موضوعات عام خارج ساخته، لذا محتاج به جعل احکام خاص کرده است. یکی از شاخص ترین این زمینه ها همان دانش پزشکی است. طرح مسائلی نو و پویا در علم پزشکی، مستلزم تحلیل ابعاد فقهی - حقوقی آن است. یکی از این مسائل، عمل جراحی پلاستیکی یا عمل جراحی زیبایی یا ترمیمی است که به طور شگفت آوری گسترش و ترویج پیدا کرده است. علمی که ابتدا در اروپا با مخالفت کلیسا مواجه شد (طباطبایی و شنیور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۹). اینک آنچنان توسعه ای یافته که ده ها میلیون نفر در سراسر جهان بدان مبادرت می ورزند (کلهرنیا و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۹). پزشکی یا طب، علم تشخیص، درمان و پیشگیری از امراض است، اما شاید امروز دیگر این تعریف در برخی حوزه های پزشکی صدق ننماید. امروزه گونه ای از عملیات مرتبط با زیبایی در چارچوب دانش پزشکی انجام می گیرد که به نظر می رسد با هدف این دانش همخوانی ندارد و یک نوع عملیات آمیخته با هنر بوده که ضرورت های اجتماعی و روانی در قرن حاضر آن را موجب شده است (طباطبایی و شنیور، ۱۳۹۲، ص ۱۸۴). بی تردید زیبایی ظاهری جایگاهی والا نزد انسان ها دارد. انسان ها تنها به دنبال حفظ زیبایی خود نیستند بلکه در پاره ای موارد به (اجبار یا اختیار) به دنبال کسب زیبایی یا بازگرداندن زیبایی از دست رفته هستند. یکی از روش های تحقق آرمان مزبور، انجام عمل جراحی زیبایی و ترمیمی (پلاستیک) است. واژه پلاستیک از واژه لاتین «Plasticus» به معنای شکل دادن و قالب زدن مشتق شده است و در واقع جراحان پلاستیک صورت یا بدن فرد را شکل داده و به آن قالب می دهند تا به شکلی خوشایندتر درآیند (اولسن، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸). از منظر انجمن پزشکی ایالات متحده آمریکا جراحی پلاستیک دو نوع است: یکی جراحی که با هدف بازسازی ساختار عادی بدن برای ارتقای شکل ظاهری بیمار انجام می شود (جراحی زیبایی) و دیگری جراحی که برای بر طرف کردن هیأت و شکل غیر عادی بدن (عوارض ایجاد شده توسط تومورها، بیماری ها، عفونت ها و...) صورت می گیرد (جراحی ترمیمی). شق دیگری از نوع دوم جراحی است که با هدف ارتقای شکل ظاهری عضو انجام می شود. بنابراین، جراحی زیبایی باعث ارتقای ظاهر می شود در حالی که جراحی ترمیمی موجب ارتقای عملکرد می شود (همان منبع، ص ۲۳۳).

مجمع فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی در هجدهمین نشست خود در کشور مالزی عمل جراحی زیبایی را این گونه تعریف کرده است: «عملی جراحی زیبایی است که به منظور زیباسازی (یا بازسازی)، ظاهری جزء یا اجزاء جسم ظاهری انسان یا بازگرداندن عملکرد آن است هنگامی که خلل مؤثری در آن حادث شود» (الحسینی، ۲۰۰۸، ص ۲۳۹). با نظر به این تعاریفات حکم جراحی پلاستیک برای زیبایی از منظر فقهای متقدم و موخر بررسی شده است.

امام خمینی (ره) می فرماید: «اگر جراح زن باشد و موجب ضرر هم نشود مانع ندارد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ص ۶۲۸).

آیت الله خامنه ای: «این کار فی نفسه اشکال ندارد (ولی در صورتی که پزشک مرد باشد چون) عمل جراحی زیبایی، درمان بیماری محسوب نمی شود، نگاه کردن و لمس حرام به خاطر آن جایز نیست مگر در مواردی که



برای درمان سوختگی و مانند آن باشد و پزشک مجبور به لمس و نگاه کردن باشد» (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۸، ص ۳۱۱).

جنبه دیگر موضوع انجام فرایض دینی با حضور آثار و نتایج عمل جراحی پلاستیک در بدن انسان می باشد که در این مورد آیات عظام بهجت (ره)، سبحانی، صافی و مکارم در پاسخ می فرمایند: «جراحی پلاستیک - اگر مانع از رسیدن آب به پوست باشد - در صورت ضرورت اشکالی ندارد و در غیر این صورت جایز نیست و اگر مشکلات و مشقت زیادی ندارد باید برطرف شود؛ وظیفه‌ی چنین شخصی نیز وضوی جیره‌ای است». سیستمی: «جراحی پلاستیک - اگر مانع از رسیدن آب به پوست باشد - در صورت ضرورت اشکال ندارد و در غیر این صورت بنا بر احتیاط واجب باید ترک شود و اگر مشکلات و مشقت زیادی ندارد باید برطرف شود؛ وظیفه چنین شخصی به جای وضو، جمع بین وضو و تیمم و به جای غسل، جمع بین غسل و تیمم است» (واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهرا، ۱۳۹۴، ص ۱).^۱ به عنوان یک نتیجه گیری کلی از مباحث فوق می توان گفت که عمل جراحی زیبایی دارای آثار فقهی و حقوقی متفاوتی می باشد که نظرات متفاوتی پیرامون آن ارائه شده است.

سوالات تحقیق

- ۱- نظر فقها در خصوص عمل جراحی زیبایی و ابعاد شرعی آن چیست؟
- ۲- قوانین کیفری ایران در خصوص مسئولیت پزشک در عمل جراحی زیبایی چگونه است؟
- ۳- نظر حقوقدانان در اعمال زیبایی از منظر تعهد پزشک چگونه است؟
- ۴- مسئولیت پزشک در عمل جراحی در حقوق ایران و سایر کشورها چگونه است؟

پیشینه تحقیق

طباطبایی و شنیور (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان: گونه شناسی تعهد و مسئولیت پزشک در جراحی زیبایی و ترمیمی، به این نتیجه رسیدند که: عمل جراحی زیبایی و ترمیمی، از نوآوری‌های علم پزشکی است و برخی از صاحب نظران معاصر، پیرامون مشروعیت آن در موارد غیر ضروری، تردید کرده‌اند. در حالی که با توجه به اصل اباحه، عمل مزبور عملی مشروع است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که مسوولیت مدنی پزشک در این گونه موارد، تعهد به نتیجه باشد مگر این که خلاف آن اثبات شود. در حقوق موضوعه ایران، در خصوص مسئولیت پزشک درباره عمل جراحی زیبایی قواعدی وجود ندارد. با وجود این، مسوولیت مدنی پزشک با توجه به قواعد و اصول عمومی قابل استنباط است. در عمل جراحی مزبور، تعهد به اطلاع رسانی و ضرورت رعایت تناسب در انجام عمل جراحی از زمره تعهدات اختصاصی پزشک است. همچنین در صورت بروز خسارت به بیمار ناشی از عمل جراحی زیبایی ممکن است حسب مورد معیار شخصی یا معیار نوعی مورد لحاظ قرار بگیرد (طباطبایی و شنیور، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳).

^۱ - قابل دسترسی در سایت اینترنتی www.jz.ac.ir



کلهرنیا، میثم. عباسی، محمود. جور ابراهیمیان، نجات اله. سادات اخوی، سید محسن. (۱۳۹۱). در تحقیقی با عنوان: بررسی فقهی - حقوقی مبانی و محدوده تجویز جراحی های زیبایی و ترمیمی، به این نتیجه رسیدند که: جراحی پلاستیک از جمله شاخه های نوظهور در حیطه پزشکی بوده که به دنبال پیشرفت علم جراحی و توجه با استقبال عامه، خاصه در قرن اخیر، رشد فزاینده ای داشته است. نظر به ویژگی های خاص این قسم از عملیات پزشکی، چالش هایی اخلاقی و حقوقی، پیرامون مبانی تجویز انجام جراحی های پلاستیک در نظام های مختلف مطرح گردیده است. در حقوق ایران، عنایت ویژه قانونگذار در بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی به ضرورت شرعی به عنوان یک معیار حقوقی، اهمیت توجه به اباحه این قسم عملیات زیباسازی از منظر فقها را نمایان می سازد. به طور کلی عملیات جراحی پلاستیک را در سه دسته می توان جای داد که پزشک ضمن رعایت پاره ای از محظورات خاص شرعی، مکلف به تشخیص هر قسم از ضرورات مذکور و موازنه آنها در ترازوی منافع و مضار جراحی، جهت توجیه عقلانی انجام آن می باشد (کلهرنیا و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

امینی، منصور. مشهدی زاده، علیرضا. (۱۳۹۰). در تحقیقی با عنوان: به شرط نتیجه بودن اعمال جراحی زیبایی غیرضروری، به این نتیجه رسیدند که: مباحث مسوولیت پزشک و طبیب دارای سابقه دیرینه ای به عمر علم حقوق است. این مقاله با توجه به انجام تحقیقات بسیار در خصوص اصل مسوولیت و ضمان پزشک با پیش فرض هایی مانند ضمان پزشک، لزوم اثبات تقصیر پزشک در صورت اخذ برائت و... که به صورت قول مشهور و رویه قضایی در آمده، نگاشته شده است. در این مقاله به دنبال اثبات قراردادی بودن رابطه پزشک و بیمار در اغلب موارد می باشد. در اعمال جراحی زیبایی غیرضروری (فانتزی) نیز پزشک، متعهد به نتیجه می باشد و در صورت عدم حصول نتیجه، پزشک ناقض قرارداد به شمار می آید و ضمن نقض تعهد قراردادی می باشد و هیچ یک از اسباب معاف کننده ضمانت پزشک، مانند قاعده احسان در این رابطه تجاری ورود ندارد (امینی و مشهدی زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴).

جراحی زیبایی در فقه

جراحی زیبایی به جراحی ای که هدف از آن شفای بیمار از درد جسمانی نیست معروف شده است و در برابر جراحی های درمانی یا عادی قرار می گیرد (شیعاعوی، ۲۰۰۸، ص ۲۴). فقهای امامیه و عامه در خصوص شرعی یا غیرشرعی بودن این نوع جراحی ها اختلاف نظر دارند. برخی آن را مطلقاً حرام (الفضل، ۱۹۹۵، ص ۱۲۲) و عده ای دیگر با وجود شرط هایی مجاز می دانند (شجاعپوریان، ۱۳۸۹، ص ۳۶).

مبانی نظری فقهی و شرعی جراحی زیبایی

برخی زیبایی را به اندام و برخی به قلب و روح تعریف کرده اند. راز زیبایی واقعی در داشتن قلب مهربان و میل به شادی و محبت است ولی زیبایی ظاهری در عصر حاضر تبدیل به ارزش گردیده است. در شرع اسلام ارزش عضوی که در زیبایی موثر است بیشتر تعیین شده است. در فصل دیات قانون مجازات اسلامی مشاهده می گردد که ارزش و دیه اعضایی که در سر و صورت هستند از سایر اعضای بدن بیشتر است. به طور مثال در مواد ۹۸۶ و ۹۳۰ قانون مذکور از بین بردن مجموع دو گوش و مجموع دو لب دیه ی کامل دارد یعنی برابر دیه ی قتل یک



انسان. غیر از این که از بین بردن حس شنوایی دیه جداگانه ای دارد و این نشانه اهمیت دادن اسلام به گوش ها به عنوان عضوی موثر در زیبایی است.

مالکیت اعتباری و مشروط انسان بر بدنش

برخی معتقدند انسان حاکم مطلق بدن خویش است و با این توجیه به جراحی‌های متعدد زیبایی دست می‌زنند در حالی که به نظر می‌رسد از نگاه دین چارچوب و حد و مرز و حقی برای بدن لحاظ شده است، در شرایط کنونی زیبایی سازی‌ها امکانات جدیدی پیدا کرده است، فی‌المثل انسان‌ها می‌توانند چهره خود را زیباتر کنند، آیا این خلاف اسلام است؟ به نظر می‌رسد منطق اسلام این اجازه را می‌دهد فقط باید توجه کرد که هر چیزی قیود و حدودی دارد یعنی حتی رفتن به سمت ایجاد زیبایی در فضاها و در چهره‌ها و غیره به صورت کاملاً آزاد نیست، این حدود برای این است که مناسبات اجتماعی به هم نریزد و ارتباطات معنوی مخدوش نشود. ما در ارتباط زیبایی‌ها نباید تفاوت زن و مرد را نادیده بگیریم و نباید مردی با ایجاد زیبایی در خود، به چهره زن تبدیل شود و یا بالعکس. پس این تشبه رجال به زنان و بالعکس حد دارد و اگر این مرد در همان حدود خود به سمت زیبایی برود مطلوب است.

تغییرات در بدن در دین اسلام

در دین اسلام برای انجام تغییرات در بدن دو معیار وجود دارد و مالکیت انسان بر بدنش مشروط است. در تبیین دیدگاه دین اسلام نسبت به انجام جراحی‌های زیبایی با هدف تغییرات در بدن، به دو معیار اسلام می‌توان اشاره کرد؛ اسلام دو معیار را برای هرگونه تغییر ارائه می‌کند یکی این که این عملی که بر روی بدن صورت می‌گیرد باید یک کارکرد عقلایی داشته باشد، دوم این که هر نوع عمل بر روی چهره و بدن منتهی به آسیب به بدن نشود. اما درباره رابطه انسان با اعضا و این که آیا بین انسان و اعضای او رابطه‌ای وجود دارد یا خیر و اگر رابطه‌ای وجود دارد ماهیت آن چیست، در بررسی ادله فقهی به این نتیجه می‌رسیم که بر اساس فطرت، بین انسان و اعضایش رابطه وجود دارد و این رابطه به دلالت وجدان، ضرورت و سیره عقلا از نوع مالکیت و سلطنت است و شارع و قانونگذار آن را امضا کرده‌اند (نادیه محمد، ۱۴۳۱، ص ۵۸).

حس زیباخواهی در قرآن

در آیه ۳۲ اعراف چنین آمده است «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادِهِ...» «ای پیامبر بگو چه کسی زینتی را که خداوند برای بندگانش بیرون آورده...» اولاً؛ اینجا اخراج العباده دارد. یعنی خداوند زیبایی را برای همه بندگانش قرار داده است و ثانیاً؛ حالت عتاب و خطاب دارد، گویی کسانی هستند که با دید کج و ظرفیت های تنگ درونی و روحی خود به سمت تحریم زینت‌ها می‌روند، زینت اصولاً با حس زیبایی انسان در ارتباط است یعنی اگر انسان این حس را نداشته باشد برای او گل و سنگ یکی است و زمانی برای او زینت گل و زیبایی‌ها برای او معنا دارد که دارای حس زیبایی باشد و این اختصاص به مؤمنان ندارد و همه انسان‌ها دارای این حس زیبایی هستند و خداوند می‌خواهد این زینت و زیبایی در چشم انسان‌ها وجود داشته باشد.



حس زیبایی خواهی انسان در روایات

حس زیبایی خواهی در انسان یک حس پایه‌ای و اساسی است، اسلام اصولاً نه تنها برای ایجاد بستر لازم در زندگی به حس زیبایی خواهی انسان نیازمند است که حتی، متعالی‌ترین ارزش‌های الهی یعنی تقرب به خداوند صرفاً و یا عمدتاً از طریق فعال شدن این حس در برابر خداوند شکل می‌گیرد. به این دلیل که در این حس زیبایی خواهی انسان می‌تواند مظهر همه زیبایی‌ها را باز یابد که همان خداوند است و این هنگامی است که اولاً؛ این حس زیبایی خواهی سرکوب نشود و ثانیاً؛ از طریق حس زیبایی خواهی با همه زیبایی‌های طبیعی، انسانی و غیره مواجه شود و از این زیبایی‌های مترکب به زیبایی‌های معنوی و میدئی دست یابد. بنابراین اسلام برای حس زیبایی خواهی ارزش قائل است و کمترین کوششی را که بتواند به مثابه عامل سرکوب کننده نسبت به این حس باشد، کنار گذاشته و روایات هم نسبت به زیبایی اهمیت قائل شده‌اند از جمله روایتی از امام حسن مجتبی (ع) که می‌فرماید: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من برای پروردگرم خویش را زیبا می‌کنم. این سخن منطق روشنی دارد؛ اولاً خداوند را زیبا معرفی کرده است که مبدأ همه جمال هاست و ثانیاً خداوند را دارای حب به زیبایی معرفی کرده است و ثالثاً؛ وظیفه انسان در پیشگاه خداوند را زیباشدن برای خداوند معرفی کرده است که به تبع زیباشدن برای خداوند، زیباشدن برای خلق هم هست چون وقتی انسان همه زندگی و آداب و سلوکش را در وضعیت زیبایی قرار دهد این تبسمی است به روی همه عالم و همه در مسیر توجه به آن مبدأ کمال می‌توانند از این رهگذر قرار گیرند (وهبه زحیلی، ۱۹۸۹، ص ۴۵۶).

معیار دین اسلام برای تغییرات در بدن

اسلام دو معیار را برای هرگونه تغییر ارائه می‌کند یکی اینکه این عملی که بر روی بدن صورت می‌گیرد باید یک کارکرد عقلایی داشته باشد که ایجاد زیبایی یک کارکرد عقلایی است و معیار دوم این است که هر نوع عمل بر روی چهره و بدن منتهی به آسیب به بدن نشود و واجد یک ضرر و زیان برای بدن نباشد. البته زیان‌های کوتاه مدت به معنی مشکلات پس از عمل منظور نیست بلکه زیانی که بدن را در یک وضعیت تحلیل قرار دهد و بیماری ایجاد کند منظور است. به هر حال هر نوع عمل جراحی که این دو قید را رعایت کند یعنی عملی که منتهی به آسیب روحی و جسمی نباشد و دوم کارکرد عقلایی داشته باشد مثل عملی که موجب زندگی راحت‌تر می‌شود مثل فردی که مشکل راه رفتن دارد با عمل جراحی راحت‌تر زندگی می‌کند، این یک کارکرد عقلایی است که مشکلی ندارد.

مشروعیت جراحی زیبایی

با دقت در آرای فقهای امامیه در مورد جراحی زیبایی باید اذعان داشت که در نزد آنها اصولاً جراحی زیبایی عملی مباح و شرعی محسوب می‌شود، منتها شرایط ذیل بایستی رعایت گردند:

۱- جراحی، دارای خطر و عوارض شدید نباشد؛ در این صورت تنها در مورد جراحی ترمیمی حیاتی و یا موردی از جراحی ترمیمی که در آن ناهنجاری تا حدی است که پذیرش میزانی از خطر از لحاظ عقل و عرف امری قابل قبول است، به لحاظ ضرورت موجود می‌توان قائل به صحت انجام عمل شد.



۲- در جراحی زیبایی که از نظر فقهای امامیه دارای ضرورت (از لحاظ جسمی) نیست، برخلاف سایر اعمال جراحی، نمی توان یکسری از ملاحظات شرعی (مثل رعایت نظر و لمس) را نادیده گرفت. بنابراین به نظر می رسد ضرورتی که برای جراحی زیبایی اختیاری از حیث روان شناختی به آن استناد می شود از سوی فقها و شرع مورد پذیرش قرار نگرفته است و ضرورت اعمال پزشکی در محدوده درمان ناهنجاری ها باقی مانده است.

حکم شرعی جراحی زیبایی محض

۱- به خاطر این که نوعی تغییر در خلقت و کاری بیهوده است و انگیزه ضرورت یا نیاز یا حاجتی در آن نیست حرام است خداوند یک حکایت را از زبان ابلیس می فرماید «من به بندگان دستور می دهم تا آنها آفرینش خدا را دگرگون سازند»^۲.

۲- حدیث عبدالله بن مسعود که می فرماید: «از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که کسانی که موها را می کنند (ابرو) و دندان هایشان را تراش می دهند (برای زیبایی و تغییر خلقت) لعن می کرد».

۳- قیاس بر خالکوبی و تیز کردن و نازک کردن دندان و کندن مو.

۴- این اعمال به جهت دارا بودن جنبه فریب و نیرنگ شرعا حرام اند؛ چون بیشتر سعی می شود که ظاهر فرد برخلاف واقعیت ظاهریش نشان داده شود.

۵- این نوع از جراحی ها بعضی از کارهای حرام هم به دنبال دارد از جمله پزشکی که این عمل ها را برای زن انجام می هد اگر مرد باعث کشف عورت می شود و باعث بی حس شدن محلی می شود که عمل می شود (برای مدت زمان معین).

۶- این جراحی ها خالی از عوارض نفسی و بدنی نیست چون گاهی اوقات ممکن است عمل برخلاف نتیجه دلخواه وی باشد (کلهرنیا گلکار و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

جراحی های زیبایی و ترمیمی از منظر فقها

با توجه به رواج جراحی های پلاستیک و تردیدهایی که در مورد صحت شرعی آن شده است، استفتائات و نظریاتی بالاخص در دهه های اخیر از فقها ذکر گردیده که شاید گنجاندن آنها در قالب چند دسته منسجم کار دشواری باشد. این امر بدین علت است که «نظرات فقها و اهل شریعت به جهات گوناگون متنوع است و این اختلاف (تا حدی) ناشی از قرائت های مختلف آنان از متون شرع می باشد و این برداشت هاست که ادله را برای تحریم یا جواز اعمال زیبایی و یا حدود تحریم تبیین و تشریح می نماید» (الحسینی، ۲۰۰۸).

برخلاف فقهای اهل سنت که با تفکیک میان جراحی ترمیمی و جراحی زیبایی، مورد اخیر را با استناد به آیات قرآن و روایات و به واسطه تغییر در خلقت الهی، جایز نمی شمارند، غالب فقهای امامیه عمل زیبایی را با وجود شرایطی، امری مباح می دانند، تا جایی که عمل زیبایی جایز شمرده شده حتی اگر برای درمان یا دفع ضرر نباشد (الشنیطی، ۱۹۹۴).

۲ - مائده (۱۰۳) .



نظر مخالفین

در برخی از نظریات فقها (غالباً فقهای متقدم) که با برداشت های بسیار سخت گیرانه از متون فقهی صورت پذیرفته، هرگونه عملیات زیبایی که قهراً جراحی را نیز دربر می گیرد تغییر در خلقت الهی یاد شده و حکم حرمت به آن تعلق گرفته است؛ برای مثال: از «طبری» نقل شده که وی معتقد است «زن مجاز نمی باشد برای زیبایی، قسمتی از خلقت ظاهری خود را که خداوند آفریده تغییر دهد، چه با افزودن چیزی و چه از راه کاستن آن نه برای همسرش نه برای دیگری، مانند زنی که ابروهایش متصل باشند و موی بین آن ها را بردارد و با این کار خودنمایی کند و نیز عکس این حالت و اگر زن دندان اضافه ای داشته باشد و آن را بکشد یا دندان بلندی که قسمتی از آن را (به وسیله تراش) کوتاه کند یا ریش و سبیل و یا موی عنقه^۲ داشته باشد و آن ها را بکند و یا موی کوتاهی داشته باشد و با موی دیگری آن را بلند گرداند، پس تمام موارد مذکور نهی شده، زیرا از موارد تغییر در خلقت خداست» (الحسینی، ۲۰۰۸، ص ۹۱).

نظر موافقین

این نگرش، اعمال جراحی زیبایی را اساساً مجاز دانسته است، مگر جایی که به صراحت به حرام بودن آن اشاره شده باشد (الحسینی، ۲۰۰۸، ص ۹۱). یکی از فقهای عمل جراحی زیبایی حرام نیست و ارتودنسی (مرتب و ثابت کردن دندان) و امثال آن از شاخه های این اعمال است که به عنوان دفع ضرر محسوب نمی شود. پس انسان می تواند برای خودش این کار را انجام دهد و پزشک هم با درخواست افراد مجاز به انجام این اعمال می باشد. البته لازم است قضیه مثله کردن و تغییر جنسیت و احکام نگاه کردن و لمس کردن لحاظ گردد. لکن صرف نظر از موارد فوق، اصل عمل زیبایی حلال است و دریافت اجرت برای آن جایز است» (الحسینی، ۲۰۰۸، ص ۱۶۹).

نظر میانه (قائلین به تفکیک)

اما برخی از فقهای که متعرض جراحی های پلاستیک شده اند خاصه اهل سنت، بین دو نوع جراحی ترمیمی (ضروری) و زیبایی (غیرضروری) تفکیک قائل گردیده و اولی را مشروع و دومی را غیر مشروع بیان نموده اند. همان طور که پیشتر عنوان شد، جراحی ترمیمی در مورد کسانی مصداق پیدا می کند که دارای عیبی در عضو از اعضای بدن خویش باشند، حال چه این عیب از بدو خلقت با او همراه بوده باشد و چه بعدها به سبب بیماری و یا حادثه ای دچار آن شده باشد، مانند کسی که به طور مادرزادی دارای انحراف شدید بینی است و یا کسی که به سبب سوختگی زیبایی طبیعی پوست خود را از دست داده است.

نقد دلایل در جراحی های زیبایی و ترمیمی

پیش از بیان موارد و نقد آنها باید متذکر شد که چالش اصلی حقوق در ارتباط با جراحی های زیبایی محض مطرح گردیده و در مورد تجویز جراحی هایی که واجد وصف ترمیمی هستند، تقریباً تمامی نظام های حقوقی دارای اتفاق نظر می باشند؛ هر چند در ارتباط با محدوده انجام جراحی ترمیمی (با توجه به انتخابی بودن آن) بالاخص در مواردی که عمل جراحی توأم با مخاطراتی است چالش هایی وجود دارد.

۲ - موهای کوچک بین لب پایین و چانه



قابل استناد نبودن عرف

امروزه انجام جراحی های پلاستیک با شیوه های متنوع و مدرن به یک امر متداول در عرف اجتماعات مختلف بشری تبدیل شده است، تا حدی که اگر زمانی تنها افراد سرشناس و متمکن بدان دست می زدند، در حال حاضر اقشار متوسط جوامع مختلف که بیشترین تعداد افراد را تشکیل می دهند، نیز به دلایل و بهانه های مختلف بدن خود را به تیغ جراح می سپارند.

فقدان اصل ضرورت

مهمترین شاخص و دلیل اصلی اباحه انجام امور پزشکی بیشک همان ضرورت است. ضرورتی که در اسلام از آن به عنوان مباح کننده اموری که از آنها نهی شده، تلقی گردیده است و هم به دلیل اهمیت اعمال پزشکی در سلامتی جسم و روان، آن را در زمره واجبات کفایی ذکر نموده اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۴۵). به طور کلی «ضرورت» عبارت از حالت خاصی است که فعل یا ترک فعل غیرمجاز را در ترازوی مضار و منافع، مباح و مجاز می سازد؛ لذا گفته شده که «حالت ضرورت بدین دلیل عمل طبی را مباح می سازد که ورود خسارت جزئی از خسارت کلی بهتر است و همچنین برای یک فرد بهتر است که عضوی از اعضای او (احتمالاً) خسارت ببیند تا اینکه جاننش به مخاطره افتد» (الحسینی، ۲۰۰۸، ص ۵۶). لذا این پذیرش ریسک ناشی از اعمال جراحی تنها با وجود ضرورتی مهم می تواند نادیده گرفته شود.

انتقاد از اختیار مطلق فرد

ممکن است با استناد به لزوم پاس داشت اصل استقلال بیمار (اتونومی) شود که هر فرد با دانایی و آگاهی کامل نسبت به عواقب جراحی زیبایی به آن اقدام می نماید و هر کس مصلحت خویش را بهتر می داند. لذا برای جراحان تکلیفی جز آگاه سازی کامل و اخذ رضایت آگاهانه (و برائت در نظام حقوقی ایران) وجود نخواهد داشت. در پاسخ باید گفت اگر قرار باشد ما حکم به عدم تجویز انجام جراحی های زیبایی و یا تحدید حدود آنها به موارد خاص بنماییم، درک این مسأله در حیطه تخصصی پزشک است و اوست که مسئول تشخیص این سؤال است که آیا فردی با توجه به ملاکات قانونی و حرفه ای، برای جراحی زیبایی یا ترمیمی مناسب است یا خیر؟ در ثانی رضایت افراد نمی تواند توجیه کننده یک عمل غیرمجاز باشد.

دلایل حرمت و جایز بودن جراحی زیبایی از دیدگاه فقها

- ۱- تغییر در خلقت الهی؛ در قرآن آمده است: «وَلَا تَمُرُّنَّهُمْ فَلْيَتَّعِبْنَ خَلْقَ اللَّهِ^۴»؛ «شیطان پس از طرد شدن از بارگاه الهی گفت: به ایشان (انسان ها) دستور می دهم تا آفرینش خدا را دگرگون کنند». در این آیه مذمت کسانی بیان شده که به تغییر در خلقت الهی می پردازند و این نوع جراحی، از نمونه های بارز چنین تغییر است.
- ۲- در سنت نبوی گروهی از زنان لعنت شده اند که از جمله اوصافشان این است: «المتفلجات للحسن، المغیرات خلق الله»؛ آنانی که میان دندان هایشان فاصله انداخته و خلقت الهی را تغییر می دهند.

^۴ - نساء (۱۱۹) .



نظریات فقهی در مورد مسئولیت پزشک

فقهها در کتب مسئولیت ها را از یک دیگر تفکیک نموده اند و تقسیم مسئولیت به قراردادی و قهری در کتب فقهی سابقه ندارد. آن چه در فقه در باب مسئولیت اهمیت دارد، جبران خسارت زیان دیده است و در این امر فرقی میان مسولیت قراردادی و غیر قراردادی نیست. قاعده لاضرر، متضمن ضرورت تدارک جبران زیان است، چه این زیان ناشی از عدم اجرای قرارداد و چه ناشی از ضمان قهری باشد (اکبری برچلوبی، ۱۳۸۴، ص ۸۵).

فقهها مسئولیت پزشک را در کتاب دیات مورد بحث قرار داده اند. فارغ از تفکیکی که فقهها در باب ضمان پزشک، میان پزشک متخصص و ماهر چنان چه مرتکب هیچ تقصیری نشود و اصول علمی، فنی حرفه ای خود را هم رعایت کند ولی بر اثر معالجه، بیمار متحمل خسارتی شود، مسول است؛ این نوع استدلال در مقام اثبات مسولیت قهری است. دلایل اقامه شده در اثبات این ادعا عبارت است از:

اول- روایاتی وجود دارد که پزشک را مسول رفتار متعارف خود دانسته و امام صادق (ع) از امیرالمومنین (ع) روایت کرده اند: «هرکس که به پزشکی یا دام پزشکی می پردازد، باید پیش از درمان از ولی بیمار یا صاحب حیوان برائت جوید وگرنه ضامن است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۲۰). بنابراین مسولیت پزشک مطلق است و مشمول ضمان قهری است، اگر اخذ برائت ننماید.

دوم- قواعد فقهی دلالت بر مسولیت پزشک دارد؛ زیرا مطابق قاعده اتلاف، هرکس مال و جان دیگری را تلف کند، مسول جبران آن به شمار می آید و در صورتی که بیمار بر اثر درمان متحمل زبانی گردد، تلف مستند به فعل پزشک خواهد بود و چون او مباشر تلف است، خودش هم باید زیان وارد به بیمار را جبران کند. از سوی دیگر قاعده ی «لایبطل دم امرء مسلم» یعنی «خون هیچ مسلمانی نباید هدر رود»، نیز مستلزم مسول دانستن پزشک است؛ زیرا عدم مسولیت پزشک هدر رفتن خون مسلمان را که در شرع ناروا دانسته شده است به دنبال دارد. قاعده ی لاضرر نیز حکم می کند که زیان وارد به بیمار جبران نشده باقی نماند و پزشک باید این زیان را جبران کند.

سوم- برخی از فقهها نیز به اجماع تمسک جسته اند و معتقدند در این مساله اجماع فقهها بر آن است که پزشک مسئول تلقی می شود، ابن زهره در غنیه و محقق حلی در نکت النهایه به این مطلب اذعان داشته اند (حسینی عاملی، بی تا، ص ۲۶۵). مسولیت پزشک ناشی از حکم صریح شرع و قانون است و مواد ۳۱۹ و ۳۲۱ قانون مجازات اسلامی منشاء مستقیم مسولیت پزشک است. به همین جهت منظور از عنوان «موجبات ضمان» در باب پنجم قانون مجازات اسلامی موجبات ضمان غیرقراردادی است (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۷).

نظرات ادیان در مورد اعمال جراحی زیبایی

برخی نظرات دین یهود نیز در اعمال جراحی زیبایی بر مغایرت اینگونه عمل جراحی زیبایی با اعتقاد و ایمان به خداوند تکیه دارد چون آن را در جهت چالش کشیدن حکمت الهی می داند خصوص اینکه وقتی در مردان باعث شود به زنان شباهت یابند در دین یهود ممنوع شده است، البته برخی خاخام یهودی مخالف با این نظر هستند. تعالیم مسیحیت نیز اهمیت روح و تقدم آن را بر جسم تاکید دارند. در این دین آمده است کسانی که جسم گرا هستند به جسم اهمیت می دهند و کسانی که روح گرا هستند به روح اهمیت می دهند. چون اهتمام به جسم، مرگ است و اهتمام به روح، حیات و صلح است اهتمام به جسم، دشمن با خداست و خاضع در برابر قانون الهی



نیست. یا در بخش دیگر می گوید: کسی برای بدنش می کارد فساد درو می کند و کسی که برای روح می کارد حیات ابدی درو می کند. برخی در دین مسیح این اعمال جراحی را عبث می پندارند. چون نوعی اهتمام به جسم تلقی می شود (عزیزی، ۱۳۸۷، ص ۲۸).

جراحی زیبایی در حقوق موضوعه

تعریف حقوق دانان از عمل جراحی زیبایی

مجموعه عمل هایی که متعلق به شکل است و هدف آن معالجه عیوب طبیعی یا اکتسابی در ظاهر بدن انسان است که بر ارزش شخصیتی یا اجتماعی فرد تاثیر گذار می باشد (شجاع پوریان، ۱۳۸۹، ص ۳۵)؛ لذا این تعریف برای عمل جراحی مقصود تمایل فرد است چون عمل زیبایی اگر برای تغییر ظاهر فرد باشد باید بر اساس تمایل فرد باشد که تا رفع عیوب؛ موسوی بجنوردی گفته است منظور اصلاح اعضای بدن یا جایگزین سازی اعضاء در مکانی است که آن را از دست داده و یا به خاطر عیب های خلقی است که انسان با آن دنیا آمده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ص ۳۷).

تجویز جراحی های زیبایی و ترمیمی در گستره حقوق

از لحاظ قانونی (صریح یا ضمنی) به نظر می رسد که اکثر کشورهای جهان انجام عملیات جراحی زیبایی و ترمیمی را به طور کلی پذیرفته اند، لیکن یکسری ضوابط و معیارها برای صحت انجام این عمل در نظر گرفته شده که در چارچوب مقررات و بالاخص رویه قضایی قابل تشخیص می باشند. اما ادله ای که مبنای جواز جراحی های زیبایی و ترمیمی قرار گرفته اند، بایستی مورد واکاوی قرار گیرند تا بتوان به ضوابطی جهت تبیین مبنای تجویز و بالاخص محدوده صحت انجام اعمال زیبایی و ترمیمی دست یافت (الحسینی، ۲۰۰۸، ص ۷۶).

ارکان زیبایی

شامل سه رکن است : ۱- بیمار ۲- جراح ۳- عمل زیبایی

جنبه های حقوقی - حقوقی جراحی زیبایی

تحلیل های مختلفی از واژه ی مشروعیت در آثار حقوقدانان به چشم می خورد مانند: منظور از اعمال جراحی یا طبی مشروع، عمل جراحی است که وفق مقررات پزشکی برا معالجه و درمان بیماری انجام می شود. داشتن درجه ی دکتری بهترین دلیل برای مشروع بودن عمل پزشک می باشد. آیا قانون گذار مرجع و چگونگی احراز مشروعیت این اعمال را نیز اعلام نموده است؟ آیا مفهوم و محدوده ی مشروعیت و اعمال جراحی یا طبی مشروع مشخص می باشد؟ بدیهی است نمی توان از پزشک توقع داشت که آگاه به همه ی مقررات شرعی باشد، لذا به نظر ما کلمه ی «مشروع» را باید در مفهوم قانونی آن به کار گرفت. فلذا ابهام مذکور در مرجع تشخیص و چگونگی احراز مشروع بودن این اعمال را باید بدین طریق حل نمود که قاضی با مراجعه به منابع و فتاوی معتبر فقهی حکم قضیه را بیابد چرا که اصل ۱۶۷ قانون اساسی، هم چنین ماده ی ۲۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به قاضی اجازه داده است که در موارد سکوت، ابهام یا اجمال



قوانین، حکم قضیه را از طریق مراجعه به منابع و یا فتاوی معتبر فقهی بیابد. به نظر می رسد باتوجه به اشکالاتی که در تفسیر و رفع ابهام مشروعیت وجود دارد و در شرع اسلام نیز موازین خاصی برای بسیاری از اعمال جراحی یا طبی بیان نشده است و همچنین پیشرفت علوم پزشکی باید عبارت شرعی بودن را به مقررات قانونی و عرفی حمل نمود. مخالفت شرع با برخی اعمال جراحی ناشی از ماهیت آن جراحی است نه صدمه ی ایجاد شده، به عبارت دیگر حادثه نتیجه ی قهری و ضروری آن اعمال می باشد. با گسترش دانش و پیشرفت های پزشکی در دنیای امروز، انتظارات مردم از زندگی و پاسخ های آنان به مسائل شرعی روزمره ی خود چیست؟ باتوجه به شیوع جراحی های زیبایی و اینکه در برخی از این اعمال ضرورت درمانی وجود ندارد آیا شرع آن را مورد تأیید قرار می دهد؟ آیا اعمال جراحی زیبایی که ظاهراً بر هیچ گونه ضرورت حیاتی مبتنی نیستند، شرعی می باشند؟ یکی از اساتید حقوق می نویسد: ... باید متذکر شد که در روزگار ما قلمرو اعمال جراحی یا طبی مشروع بر مبنای ضرورت حفظ حیات انسان توسعه یافته است و این ضرورت تنها به تدابیر درمانی به معنی مصطلح آن محدود نیست. امروزه مفهوم درمان و بازیافتن توانایی های انسانی از مقوله ی جسم فراتر رفته و روان انسان را نیز شامل می شود. از این رو به نظر نمی رسد اعمال جراحی زیبایی که به منظور حفظ تعادل روحی و بهبود روانی فرد انجام می گیرد و گاه نوعی درمان تلقی می شود مخالف شرع باشد (قزمار، ۱۴۳۱، ص ۵۶). با این حال الزم است نظرات و فتاوی فقهای معاصر در این خصوص مورد نقد و بررسی قرار گیرد که در قسمت فقهی در این باب صحبت خواهیم کرد.

نقش برائت در مسئولیت کیفری جراحان زیبایی

تا پیش از این بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، طبق مواد ۵۹ (بند دوم) و ۳۱۹، اذن و رضایت بیمار نسبت به درمان، عامل وجاهت قانونی عمل پزشک به حساب می آمد، لیکن در مواردی که خسارات پزشکی بر اثر عمل پزشک حاصل می شد، پزشک، ضامن بود. بنابراین قانون گذار به پیروی از نظر مشهور در فقه قائل به مسئولیت نوعی برای پزشک بود، اما به موازات همین امر و به جهت معطل نماندن امر ضروری طبابت با پیشبینی اخذ برائت از بیمار (در مواد ۶۰ و ۳۲۲)، به پزشکان این امکان را می داد که در صورت عدم ارتکاب تقصیر (و به نظر برخی با توجه به ظاهر مواد، ولو در فرض تقصیر)، از کمند مسئولیت رهایی یابند. در این رابطه به نظر می آمد که چنین برائتی نمی توانست عامل توجیه کننده خسارات ناشی از عمل پزشک در جراحی زیبایی باشد، چراکه مبنای علمی پیش بینی این نهاد در فقه و قانون، مصالح و ضرورات ناشی از اعمال جراحی است که به نظر در جراحی های زیبایی نمی توان به آن ها استناد جست.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ماده ۴۹۵ با اصلاح موارد پیشین مقرر داشته: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد ضامن دیه است، مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا اینکه قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود». و در تبصره یک این ماده نیز بر این امر تأکید ورزیده که: «در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هر چند برائت اخذ نکرده باشد».

طبق این ماده پزشک اصولاً مسئول زیان های وارده به بیمار است مگر اینکه عدم تقصیر او اثبات شود و یا اینکه برائت اخذ کرده باشد که در این فرض هم در صورتی معاف از مسئولیت است که مرتکب تقصیر نشده باشد.



بنابراین، با توجه به ماده ۴۹۵ تحصیل براءت از ضمان، رافع مسئولیت در صورت ارتکاب تقصیر چه عمدی چه غیر عمدی، نیست (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱).

۳-۶- مسئولیت مدنی ناشی از عملیات جراحی زیبایی

امروزه مسئولیت مدنی شعبه های مختلفی پیدا کرده است. یکی از اقسام مسئولیت های مدنی مختلط، مسئولیت مدنی پزشک است. علم پزشکی نیز بسیار تخصصی شده است. بر همین منوال مسئولیت های مختلف پزشکی ایجاد شده است یکی از فروع این مسئولیت، مسئولیت مدنی ناشی از عملیات جراحی زیبایی است. در این قسمت نخست به طبیعت تعهدات پزشک در عملیات جراحی زیبایی می پردازیم و سپس شرایط انجام عملیات جراحی زیبایی و در نهایت ارکان مسئولیت مدنی ناشی از عملیات جراحی زیبایی را بررسی می کنیم.

طبیعت تعهدات پزشک در عملیات جراحی زیبایی

در خصوص طبیعت تعهدات پزشک در عمل جراحی زیبایی سه نظریه ارائه گردیده است:

تعهد به وسیله

برخی میان اعمال جراحی ضروری و غیر ضروری قائل به تفکیک شده و معتقدند جراحی ترمیمی ضروری تابع قواعد عام مسئولیت مدنی است و تعهد پزشک در این موارد تعهد به وسیله است اما در اعمال جراحی غیر ضروری به منظور حمایت از بیمار، تعهد پزشک را تعهد به نتیجه می دانیم (صالحی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۹). با وجود این، به نظر می رسد تحلیل مزبور خالی از اشکال نیست و تفکیک میان جراحی زیبایی ضروری و جراحی زیبایی غیرضروری ناروا است. چرا که ممکن است طبق عرف پزشکی در جراحی زیبایی ضروری اجرای تعهد به طور قطع امکان پذیر باشد و در جراحی زیبایی غیرضروری بر طبق اصول متعارف پزشکی ایفاء تعهد جنبه احتمالی به خود بگیرد.

و برعکس. بنابراین، تعیین ضابطه کلی در این خصوص دشوار است و در هر موردی (جراحی ضروری و غیر ضروری) باید به داوری عرف مراجعه نمود.

تعهد به نتیجه

گفته شده تعهد پزشک در عمل جراحی زیبایی تعهد به نتیجه است. برخی عرف کنونی این گونه جراحی را نامشروع نمی بیند ولی مسئولیت پزشک در چنین حالتی سنگین تر از جراحی عادی است. زیرا، عامل «ضرورت» استقبال بسیاری از خطر را مباح می کند و عقل سلیم از دیر باز چنین اعمالی را که لازمه پیشرفت و سلامت است تجویز می کند. برخی نیز معتقدند که تعهدات پزشک در جراحی های زیبایی تعهدات شبه عینی است و فرض بر این است که انجام عمل جراحی منوط به تحقق نتایج خاص و مورد نظر است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴). با وجود این به نظر می رسد اندیشه مزبور خالی از اشکال نباشد. در سال های اخیر در زمینه علم پزشکی پیشرفت های قابل ملاحظه ای صورت گرفته است. شیوه های نخستین انجام عمل جراحی با شیوه های متداول تغییر فراوانی کرده است. با وجود این، انجام عمل جراحی بر حسب طبیعت خود ممکن است منجر به موفقیت نگردد



و پزشک هم هر چند حادث باشد نمی تواند پیش از عمل جراحی موفقیت آن را تضمین کند. عرف نیز از وی چنین انتظاری ندارد. پس چرا تعهد پزشک را در تمامی موارد تعهد به نتیجه بدانیم؟

تعهد به وسیله تشدید یافته

برخی تعهد پزشک در این زمینه را «تعهد به وسیله تشدید یافته» می دانند و معتقدند جراح مکلف است نتیجه مورد نظر را در درمان بیمار فراهم آورد و در عین حال اثبات بی تقصیری، وی را از مسئولیت می رهااند(عباسی، ۱۳۸۹، ص ۶۷).

این تعهد آمیزه ای از «تعهد به وسیله» و «فرض تقصیر» است. باید توجه داشت که در اصطلاح مسئولیت مدنی «تعهد به وسیله تشدید یافته» در ادبیات حقوقی ما بیگانه است. این نظر فرض تقصیر را برای پزشک معالج ایجاد می کند. در حالی که ایجاد فرض تقصیر منوط به نص است. اصل، عدم وجود فرض تقصیر برای شخص یا اشخاص است مگر به حکم قانون. مضافاً وجود فرض تقصیر، همراه با تعهد به وسیله، جمع دو نقیض و محال است زیرا چگونه ممکن است شخصی تعهدی به حصول نتیجه نداشته باشد و در عین حال در صورت بروز خسارت برای رهایی از مسئولیت باید بی تقصیری خویش را اثبات کند؟

نتیجه گیری

جراحی زیبایی پیوندی ناگسستنی با خصائص فرهنگی هر جامعه دارد. اگر چه جراحی زیبایی به عملی که هدف از آن شفای بیمار از درد جسمانی نیست، معروف شده است و در برابر جراحی های درمانی یا عادی قرار گرفته است، معذک جراحی های زیبایی ضروری یا ترمیمی که ضرورت آن را عرف هم تأیید می کند، تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی طبیب است و به نظر می رسد در این موارد علی الاصول تعهد جراح زیبایی به وسیله باشد. نتایج تحقیقات انجام شده در خصوص جراحی های زیبایی غیر ضروری یا فانتزی مبین آن است که در حال حاضر تمسک و توسل بیش از حد به اعمال جراحی زیبایی و نیز استفاده مستمر از شیوه های جراحی های مرسوم، خود به یک معضل و تهدیدی جدی تبدیل شده است؛ به حدی که بر حسب آمار، افزون بر ۵۰٪ افرادی که برای جراحی پلاستیک مراجعه می کنند از نظر اطباء نیازی به جراحی زیبایی ندارند و از طرفی به عقیده اکثر صاحب نظران، ۹۰٪ مراجعه کنندگان به علل روانشناختی دست به عمل جراحی زیبایی می زنند. در این شرایط و با توجه به دلایل اخیرالذکر و سایر دلایلی که شرح آن در متن آمده و به جهت حمایت از حقوق این قبیل بیماران، به نظر می رسد بهتر آن باشد که تعهد جراحان زیبایی را در این قبیل موارد، تعهد به نتیجه بدانیم. البته شاید تعیین مرز قاطع میان اعمال جراحی ضروری یا غیر ضروری بعضاً غامض باشد، معهداً قاضی بایستی به مدد عرف و اوضاع و احوال حاکم بر هر دعوی این تمیز را انجام دهد. متأسفانه تعهد جراحان زیبایی و به طور کلی حرف پزشکی و وابسته به دادن اطلاعات لازم، کافی و قابل فهم برای بیمار یا اقربای او در نظام حقوقی ایران بسیار مغفول مانده است. ضرورت اجرای این تعهد در انواع جراحی زیبایی؛ اعم از ضروری یا غیر ضروری - دوچندان است و بایستی در این قبیل موارد با سختگیری و دقت بیشتری و با مدنظر قراردادن حقوق بیماران، مسأله مطروحه را جهت نیل به عدالت که غایت علوم انسانی است بررسی نمود.

جراحی زیبایی به عنوان یکی از انواع جراحی پلاستیک، به معنای اصلاح شکل اعضای طبیعی بدن به منظور رسیدن به زیبایی بیشتر می باشد. پیشینه این جراحی ها را باید در روند توسعه جراحی های ترمیمی جستجو



نمود که بنا به ضرورت و در طول تاریخ و در میان جوامع مختلف به منظور زدودن نقایص و زشتی های اعضای بشر مورد استعمال قرار گرفته و همگام با توسعه علم پزشکی، پیشرفت نموده است. رفته رفته با افزایش رفاه اقتصادی و تحول ارزش های اجتماعی، استفاده از تکنیک های جراحی پلاستیک برای زیباتر نمودن اعضای متقاضیان، رواج چشمگیری یافته تا آنجا که مقوله جراحی زیبایی را میدل به یک صنعت فراملی و ایفاگر نقش در حوزه اقتصاد و توریسم تجاری نموده است. جراحی های زیبایی اگرچه از اعمال پزشکی به حساب می آیند، لیکن به واسطه دغدغه های پیرامون آنها از جمله فقدان ضرورت و غیر درمانی بودن، از موارد مورد اختلاف در حیطه مسئولیت پزشکی به حساب می آیند. آنچه که بنا به قاعده کلی می توان در مورد این اعمال گفت این است که به واسطه عدم ضرورت درمانی، شرایطی که در قانون برای معافیت از مسئولیت پزشک مقرر شده است بایستی با کیفیت خاصی در مورد آنها مورد نظر قرار گیرند. در عمل هم به نظر می رسد ریشه شکایات فراوانی که از جراحان زیبایی میشود، رعایت نمودن شرایطی است که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی (خاصه بند ج ماده ۱۵۸) به آن تصریح نموده است. اولین و مهمترین شرط معافیت پزشک از مسئولیت کیفری، مشروعیت عمل او می باشد. در این زمینه باید گفت که اگرچه ما نیز قائلیم که نمی توان از پزشکان انتظار داشت که در هر مورد حکم فقهی را برداشت نموده و سپس به عمل جراحی بپردازند، اما باید دانست که ضابطه کلی مشروعیت جراحی زیبایی که یک ضابطه عقلی و حرفه ای نیز به حساب می آید، ولو اینکه در قانون تصریح نشده باشد، باید مورد رعایت این پزشکان قرار گیرد. این ضابطه نیز عبارتست از اینکه جراحی زیبایی در صورتی مشروع است که خوف خطر و ضرر و عوارض قابل توجهی در آن نباشد و این ضابطه ای است که در کلام فقها نیز به آن اشاره شده است. البته می توان حسب ضرورتی که از لحاظ روانی برای جراحی زیبایی وجود دارد (آن هم پس از رعایت موازین و تأیید متخصصان روانشناسی) تا حدی خطرات و عوارض ناشی از جراحی را به جان خرید، لیکن باز هم باید میان ضرورت انجام جراحی و خطرات و عوارض ناشی از آن تناسب وجود داشته باشد. شرط مهم دیگری که برای معافیت جراحان زیبایی از مسئولیت کیفری ضروری است، اخذ رضایت آگاهانه و آزادانه از فرد متقاضی انجام جراحی است. با توجه به اختیاری بودن اعمال جراحی زیبایی آگاه ساختن کامل بیمار بدون هیچگونه ملاحظه ای امری حتمی و بایسته است که در صورت نقض آن می تواند پزشک را ضامن خسارات وارده قرار دهد، چراکه اطلاع رسانی پزشک به داوطلب جراحی، نقش بسیار مهمی در تصمیم گیری نهایی او دارد. همچنین در نظام حقوقی ایران علاوه بر کسب رضایت، اخذ براءت نیز لازم دانسته شده و بر اساس ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی، نقش براءت، جایجایی بار اثبات تقصیر خواهد بود. در واقع با اخذ براءت و ورود خسارت به بیمار، اصل بر بی تقصیری پزشک است و بر زیان دیده است که تقصیر وی را به اثبات برساند. با توجه به دشواری چنین اثباتی و پیش بینی آن به جهت معطل نماندن امر واجب طبابت (به لحاظ ضرورت) و نیز غیر ضروری و غیر درمانی بودن اعمال جراحی زیبایی، به نظر نباید این شرط را در مورد جراحان زیبایی نافذ دانست، بدین صورت که در فرض جنایت یا خسارت بر متقاضی جراحی زیبایی، صرف اثبات رابطه سببیت به نحو کلی کفایت خواهد نمود و این پزشک است که باید ثابت نماید شرایط مورد نظر (مشروعیت، رضایت آگاهانه و آزادانه و نیز رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی و مهارت) را رعایت نموده است. و اما شرط آخری که در بند ج ماده ۱۵۸ برای معافیت از مسئولیت کیفری پزشک ضروری دانسته شده، و در ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات به طور عام، با ضمانت اجرایی شدیدی مورد تصریح قرار گرفته است، رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی و نیز وجود مهارت و



تخصص است. رعایت حداکثری این شرط در جراحی زیبایی به واسطه عدم فوریت و اضطرار، الزامی است، بدین نحو که جراحان زیبایی باید تخصص و تجربه کافی در حیطه جراحی مورد نظر را داشته باشند و از حداکثر امکانات و تجهیزات بهره بجویند، چراکه با تأخیر در عمل جراحی زیبایی علی‌الاصول هیچ عواقبی وجود نخواهد داشت و اگرچه در جراحی‌های اورژانسی و تا حدی پاره‌ای از جراحی‌های انتخابی فوریت و ضرورت انجام عمل، توجیه‌کننده پاره‌ای از کاستی‌ها (به لحاظ شرایط اقتصادی و جغرافیایی و زمانی و مکانی) باشد، در مورد اعمال جراحی زیبایی اختیاری چنین استدلالی به هیچ وجه پذیرفته نخواهد بود. با توجه به مجموع این مباحث، شایسته است که قانون‌گذار با تصویب قانونی شرایط مسئولیت جراحان زیبایی را مشخص نماید تا جلوی بسیاری از سوء جریاناتی که در حال حاضر در رابطه با این نوع از اعمال پزشکی وجود دارد، گرفته شود.

پیشنهادات

پیشنهاد می‌گردد نقش باورهای دینی و تقویت آن در کاهش تمایل به جراحی زیبایی مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد موضوع رضایت شخص در جراحی‌های زیبایی پس از عمل مورد بررسی حقوقی قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد دیدگاه سایر ادیان به تغییر در بدن و عمل جراحی بررسی گردد. پیشنهاد می‌گردد دیدگاه اسلام و سایر ادیان در خصوص عمل جراحی مورد مقایسه تطبیقی قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد در راستای کاهش اعمال جراحی غیرضروری قوانین کارشناسی شده بر اساس فقه اسلامی تدوین گردد.

منابع و مأخذ

- **قرآن کریم

۱. اکبری برچلوبی، زهرا. (۱۳۸۴). بررسی سلامت روان در متقاضیان عمل جراحی زیبایی بینی، پایان نامه جهت دریافت درجه دکترای پزشکی، حلق بینی بیمارستان رسول اکرم ص، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران.
۲. امینی، منصور. مشهدی زاده، علیرضا. (۱۳۹۰). پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی، دوره ۴، شماره ۸، صص، ۱۲۵-۱۵۱.
۳. اولسن، مریل، جراحی زیبایی (۱۳۸۸). ترجمه شهروز فرهنگ، چاپ اول، انتشارات کلید آموزش. صص ۲۳۱-۲۳۲.
۴. بخاری، محمد. (۸۵۲ق). صحیح البخاری، کتاب اللباس، باب الوصل فی الشعر، ج ۷، ترجمه عبدالقادر ترشابی، تهران، انتشارات نشر دانش.
۵. بلالی، اسماعیل. افشارکهن، جواد. (۱۳۸۹). زیبایی و پول، آرایش و جراحی، فصلنامه علمی پژوهشی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷.



۶. بهمنی، مریم. محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). زنان، پاساژ و مصرف رسانه ها، فصلنامه علمی پژوهشی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، سال دوازدهم، ماره ۴۷، ص ۷۲.
۷. جعفری تبار، حسن. (۱۳۷۷). از آستین طبییان: قوی در مسؤولیت مدنی پزشکان. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره چهل و یکم.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۹. جوادی، محمدعلی، عباسی، محمود، ضیایی، حسین (۱۳۸۶)، اخلاق پزشکی و انتظار بیمار از پزشک، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۰. جواهری، فاطمه. (۱۳۸۷). بدن و دلالت های فرهنگی و اجتماعی آن، نامه پژوهش فرهنگی، سال نهم، شماره اول.
۱۱. جورابچی، کیوان. (۱۳۸۷). بررسی شکایات قصور پزشکی از جراحی های بینی ارجاع شده به سازمان پزشکی قانونی کشور در فاصله سالهای ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۹، مجله علمی پزشکی قانونی، (۳۱)، ۹، ۱۳۶-۱۳۸.
۱۲. الجوهری، محمد فائق. (۱۹۵۱). المسؤولية الطبية في قانون العقوبات، دار الجوهري للطبع و نشر.
۱۳. چارلز، باری. ام. (۱۳۸۲). مخاطرات پزشکی مدرن، مجله سیاحت غرب، آذر ۸۲، شماره ۲۱.
۱۴. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. (بی تا). المستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفه - بیروت.
۱۵. حر العاملی، محمد بن حسن بن علی. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. جلد هفدهم و بیستم، کتابخانه بزرگ فقه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۶. الحسینی، محمد. (۲۰۰۸)، عملیات التّجْمیل الجراحیة و مشروعیتها الجزائیة بین الشریعة و القانون، الطبعة الاولى، مرکز ابن ادریس حلّی للدراسات الفقهیة.
۱۷. حسینی، محمد. (۲۰۰۸). عملیات التّجْمیل الجراحیة و مشروعیتها الجزائیة بین الشریعه و القانون. الطبعة الاولى، مرکز ابن ادریس حلّی للدراسات الفقهیة.
۱۸. حلّی، ابن ادریس. (۱۴۰۹). السرائر. الطبعة الثانية، ج ۳. قم، جامعه المدرسین.
۱۹. خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۸۸)، رساله اجوبه الا. استفئات (ترجمه فارسی)، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
۲۰. خوبی، ابوالقاسم. (۱۹۹۶). المسائل الشرعیة (مسائل شرعی)، چاپ سوم، بنیاد آیت الله خوئی - قم.
۲۱. داراب پور، محمد باقر. (۱۳۸۷)، مبانی کارشناسی تعیین خسارت بیماران در دادگاه ها با همکاری مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه.
۲۲. رجبی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی جامعه شناختی باز تعریف هویت زنان و گرایش آنان به جراحی های زیبایی در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی.
۲۳. رجینالد هالینگ دیل. (۱۳۷۸). تاریخ فلسفه غرب، انتشارات ققنوس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. رضایی، احمد. اینالو، مینا. فکری، محمد. (۱۳۸۹). مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
۲۵. روزنامه ایران، شماره ۳۵۲۸، ۱۳۸۵.



۲۶. زاهدی فر، پروانه. (۱۳۸۸). واکاوی علل اقدام به اعمال جراحی زیبایی، انجمن جامعه شناسی ایران.

۲۷. زریاب، عباس. (۱۳۸۸). لذات فلسفه، تهران: انتشارات مرکز علمی - فرهنگی، چاپ ۲۱.

۲۸. ساروی، مریم. قلعه بندی، میر فرهاد. (۱۳۸۳). ویژگیهای شخصیتی داوطلبان انجام جراحی زیبایی، مجله اندیشه و رفتار، س ۹، ش ۴.

۲۹. سعادت، موسی. (۱۳۸۹). بررسی بین سرمایه اجتماعی، همسر آزاری و سلامت روانی در بین زنان متأهل تبریز، دانشگاه علوم انسانی و اجتماعی.

۳۰. سلیمانی، فاطمه. (۱۳۸۰). تاثیر عمل جراحی زیبایی بر سلامت روان و عزت نفس، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان.

۳۱. شجاعپوریان، سیاوش. (۱۳۸۹). مسؤولیت قراردادی پزشک در برابر بیمار. چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.

۳۲. شکر امرجی، ایوب. عباسی، محمود. (۱۳۸۷). مسؤولیت مدنی ناشی از جراحی زیبایی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دوم، شماره چهارم.

۳۳. الشنقیطی، محمد بن محمد المختار. (۱۹۹۴). احکام الجراحة الطبیة و الاثار المترتب علیها، الطبعة تاریخ مشاهد: <http://www.waqfeya.com/book> الثانية، الناشر: مكتبة الصحابة - جدة.

۳۴. شنقیطی، محمد بن محمد المختار. (۱۹۹۴). أحكام الجراحة الطبیة و الاثار المترتب علیها. الطبعة الثانية، الناشر: مكتبة الصحابه.

۳۵. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۶). آثار قراردادهای و تعهدات، ت جلد سوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.

۳۶. شیخ آزادی، اردشیر، قربانی، محمدحسن، کیانی، مهرزاد. (۱۳۸۶)، نحوه رسیدگی به قصور و تخلفات حرف های دندانپزشکی در ایران، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۳، ش ۳.

۳۷. شیعاوی، وفا. (۲۰۰۸). المسئولیه المدنیة للطیب فی الجراحة التجمیلة جامعه مولود معمري تیزی وزو، کلیه الحقوق، العدد

۳۸. صالحی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). جراحی های زیبایی؛ ضرورت یا زیادت؟ قوی در ماهیت تعهدات جراحان زیبایی، سال پنجم، شماره ۱۸.

۳۹. صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۱). مبانی مسؤولیت مدنی پزشک با نگاهی به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاههای حقوق قضایی

۴۰. طباطبایی، سید محمد صادق. شینور، قادر. (۱۳۹۲). منبع فقه پزشکی، دوره ۵ - شماره ۱۷ - صص، ۱۶۳ - ۱۹۰.

۴۱. طباطبایی، محمدصادق. شنیور، قادر. (۱۳۹۲). گونه شناسی تعهد و مسؤولیت پزشک در جراحی زیبایی و ترمیمی، فصلنامه فقه پزشکی، سال پنجم، شماره هفدهم.

۴۲. عباسی، محمود. (۱۳۸۹). مسؤولیت پزشکی، دوره حقوق پزشکی، چاپ دوم، تهران: انتشارات حقوقی.

۴۳. عباسی، محمود. کلهرنیا گلکار، میثم. کلهرنیا گلکار، بهروز. رضایی یکدانگی، محسن. (۱۳۹۱). تعهدات و الزامات جراحان زیبایی و ترمیمی در گستره حقوق پزشکی. فصلنامه حقوق پزشکی. دوره ششم، شماره بیست و دوم.



۴۴. عزیزی، مریم. ماهروزاده، سمیه. نیک روان فرد، نازیلا. ملاحظات اخلاقی در جراحی های زیبایی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۱، شماره ۳.
۴۵. عسکری، فاطمه. (۱۳۸۵). زیبایی به شرط چاقو، روزنامه سرمایه، تاریخ ۱۳/۴/۱۳۸۵.
۴۶. علمدار ساروی، مریم. (۱۳۸۲). بررسی ویژگی های شخصیتی داوطلبین جراحی زیبایی مراجعه کننده به کلینیک آذر، تیر لغایت مهر ۸۱، پایان نامه تخصصی روان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران
۴۷. علیان نژادی دامغانی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). احکام پزشکی؛ مطابق با فتاوی حضرت آیت ... العظمی مکارم شیرازی. چاپ دوم، قم: انتشارات امام علی ابن ابی طالب (ع).
۴۸. فاتحی، ابوالقاسم. اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۸۷). مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۴۹. فاتحی، ابوالقاسم. اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۸۷). مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۵۰. فاضل، ایرج. (۱۳۸۶). درباره جراحی چه می دانید؟، نشر جامعه جراحان ایران.
۵۱. فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم، صبح صادق.
۵۲. فراهانی، مهدی. (۱۳۸۷). مصاحبه با دکتر عبد الجلیل کلانتر هرمزی با عنوان (جراحی زیبایی را مثل پیتزا تبلیغ می کنند)، سپیده دانایی، سال دوم، شماره ۲۱.
۵۳. فضل الله، محمد حسین. (بی تا). فقه الشریعه (فقه شریعت)، چاپ چهارم، دارالملاک - بیروت.
۵۴. الفضل، منذر. (۱۹۹۵)، المسؤولیه الطّیبه فی الجراحه التّجمیلی، ه عمان: دارالثّقافه للنّشر والتّوزیع.